

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

به ادامه گذشته:

ب- شرایط بین المللی :

۱) جنگ جهانی اول - با آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴م) علی رغم تلاش های امیرحبیب الله خان مبنی بر حفظ بیطرفی کشور ، افغانستان جبراً به صحنه سیاست بین المللی کشا نیده شد . جنگ بین المان و اتریش (قوای مرکزی) از یکطرف ، انگلیس ، فرانسه و روسیه (متفقین) از جانب دیگر تغییرات و دگرگونی های قابل ملاحظه ای در جهان و منطقه به وجود آورد . طوریکه در فوق اشاره شد امیرخلاف خواست مردم افغانستان اعم از روشنفکران ، روحانیون و قسماً در باربان کوشش فراوان به خرچ داد تا بیطرفی افغانستان را در این جنگ حفظ و اعلان نماید ، که طبعاً این بیطرفی عمدتاً منافع دو کشور انگلیس و روس بود ، زیرا اول الذکر از ناحیه شمال غربی نیم قاره هند و اخیرالذکر از جهت متصرفاتش در ترکستان احساس تشویش میکردند و افغانستان در این مقطع زمانی با اندک تحریک قبایل در سرحدات قادر بود در سر های بزرگ برای انگلیس ها خلق نماید . هکذا سلطه روس تزاری هنوز در ترکستان استحکام نیافته بود . شورش ها و مقاومت های ملی توأم با حمایت دول اسلامی در هر گوشه و کنار آن علیه اشغالگری روس ادامه داشت که افغانستان با مداخله در نواحی فوق الذکر میتوانست تنها سبب قوای نظامی را در صحنه بین المللی به نفع قوای محوری تغییر دهد .

اندکی بعد از آغاز جنگ ، دولت ترکان عثمانی به طرفداری از نیروهای مرکزی شامل جنگ شد ، که آنرا اوضاع در افغانستان شکل دیگری به خود گرفت ، زیرا ترکیه به صفت دولت اسلامی و سلطان آن به حیث خلیفه و امیرالمؤمنین درسرا سر جهان اسلام تکریم و تجلیل میشد و شرکت آن در جنگ موقت دولت افغانستان را در برابر قوه متخاصم جنگ حساس تر و جدی تر ساخت . روشنفکران ، روحانیون ، قبایل و سایر مردم احساسات گرم به طرفداری از ممالک قوای مرکزی نشان میدادند ، با لایخص محمود بیگ طرزی در سراج الاخبار افغانستان چنان تبلیغات وسیع و همه جانبه را به طرفداری از دولت ترکان عثمانی به راه انداخت که عده کثیری از روشنفکران و قسماً در باربان را متمایل به ترکیه ساخته بود .

در آغاز جنگ انور پاشا وزیر جنگ ترکیه در صد آن شد تا هیوتی به افغانستان بفرستد که امیر افغانستان را به جهاد علیه انگلیس و روسیه تشویق نماید. برای استوار ساختن موقف هیأت موصوف خواست چند نفر نماینده دولت المان را هم جزء هیأت ترکی بسازد. چون موضوع به اطلاع دولت المان رسید در مجموع فرستادن هیأت را پذیرفت اما پیرامون ترکیب آن تجدید نظر کرد، بدین معنی که جرمنی نمیخواست که دیپلمات های خود را شامل هیأت ترکی نماید، بلکه به عکس علاقه مند بود تا در ترکیب هیأت المان چند نفر نماینده ترکی هم شامل گردد.

بالاخره در برج سپتمبر ۱۹۱۴ م گروهی از المان ها به ریاست واسموس (Wassmus) از جرمنی به قصد افغانستان حرکت کرد، اولاً آنها به استانبول و از آنجا به بغداد رهسپار شدند. در بغداد بنا بود ریاست کل هیأت را کنل روف بیگ یکی از افسران مجرب ترکی به عهده بگیرد، اما چون قبلاً ترکیب هیأت تغییر نموده و ریاست ترکی را المانی ها برد نمودند، کنل موصوف از سفر به افغانستان صرف نظر کرد و دوفن جرمنی به نامهای اوکارفوندرمایر و اوتوفون هنتک که هر دو ادعای ریاست داشتند در راس هیأتی مختلط قرار گرفتند. بعد یک نفر افسر ترکی به نام کاظم بیگ نیز از جانب دولت خود جزء هیأت المانی گردید تا پشتیبانی امیر المومنین و خلیفه جهان اسلام شامل حال هیأت گردد. عده ای از هندیان آزادی خواه هم که معروفترین آنها راجا مهندرا پرتاب (Mahendro Pratab) و مولانا برکت الله از مبارزین مسلمان جنبش آزادی خواهی هند که در اروپای مرکزی مصروف فعالیت بودند، شامل ترکیب هیأت گردیدند. هیأت بعد از طی مسافت قابل ملاحظه در ۲۴ اگست ۱۹۱۵ م از طریق کشور ایران داخل خاک افغانستان گردید و برای چند روز در هرات توقف نمود. وفد مختلط در بدو ورود به هرات با احساس خوشبینی و شور و شعف زائد الوصف مردم استقبال گردید و به اساس همین خوشبینی مردم و علی رغم فشارهای واپسرای هند، امیر چاره ای نداشت جز آنکه هیأت متذکره را منحیث مهمان قبول نماید و بنابر همین ملحوظ امر کرد تا از هرات به کابل آمده در باغ با بر شاه به سربرد. اگر چه با ورود هیأت قوای محوری به افغانستان تشویش مامورین هندی مضاعف گردید، اما امیر به واپسرا اطمینان داد که افغانستان مانند گذشته بیطرفی خود را حفظ خواهد کرد. امیر برای مدتی در کابل از پذیرش هیأت ابا و ورزید تا بالاخره در اثر فشارهای مخالفین انگلیس یعنی روشنفکران، روحانیون، درباریان و قاطبه مردم مجبور شد باب مذاکره را با آن باز نماید.

هیأت در ماه اکتوبر در شهرک پغمان توسط امیر پذیرفته شد و ملاقات هایی هم در آنجا دور از نظار مردم صورت گرفت و در جریان این نشست ها هیأت موصوف نامه های قیصر المان « ویلهم دوم » و «سلطان محمد ارشاد خامس» و «انور پاشا» را به امیر تقدیم نمود که همه آنها دارای عین مطلب یعنی آغاز جهاد علیه انگلیس و روس بود، اما امیر با ارائه انواع حیل و بهانه از اشتراک در جنگ و مخصوصاً امضاء تعهد نامه طرفه میرفت و نداشتن مقدار کافی اسلحه را دلیل عدم شرکت در جنگ و نمود میکرد. اعضای هیأت استدلال مینمودند که ما نمیخواهیم افغانستان را شامل جنگ شود بلکه خواهان عقد قراردادی میباشیم که به موجب آن مالک قوای مرکزی بتوانند به افغانستان کمک نمایند و هر وقتیکه قوای ترکیه و متحدینش به سرحدات برسند کشور افغانستان برای آغاز عملیات آمادگی داشته باشد امیر چون در موقعیت ضعیف قرار داشت، فلذا جهت کمی نمودن فرصت بیشتر موضوع شرکت و یا عدم شرکت افغانستان در جنگ را به شورای نمایندگان مؤکول نمود. اعضای شورای شورا که اکثرآ درباریان بودند در برابر این موضوع قبلاً بدو دسته تقسیم شده بودند، سرداران المان الله خان عین الدوله، سردار عنایت الله معین الدوله، محمود بیگ طرزی، جنرال محمد نادر خان و محمد حسین خان مستوفی الممالک شامل گروپ سردار نصرالله خان نائب السلطنه بودند. (۴۰) آنها به پیروزی قوای مرکزی باور داشتند و استدلال میکردند که دولت افغانستان با استقاده از موقع و اتحاد با ترکیه و المان، استقلال سیاسی و خاکهای از دست رفته خود را حصول و سرحدات را استحکام بخشد. اما در مقابل این گروپ دسته سردار عبدالقدوس خان اعتماد الدوله قرار داشت که مخالف جنگ و مخالف اتحاد ترکیه و المان و خواهان دوستی با انگلیس بودند و امیر هم طرفدار دسته دوم بود، اگر چه ظاهراً گروپ اول را هم از دست نمیداد اما از نفوذ روز افزون آن به هراس بود. (۴۱)

دولت انگلیس در این وقت جداً مراقب اوضاع و احوال افغانستان بود. واپسرای هند طی نامه از بیطرفی افغانستان اظهار خوشی نمود به امیر وعده داد که مبلغ شصت میلیون کلدان حق السکوت خواهد پرداخت و هم سالانه تا دو میلیون و چهار صد هزار کلدان به دولت افغانستان تادیه خواهد نمود. (۴۲) بعد از شور و مذاکره مجلس مشوره بالاخره در ۲۴ جنوری ۱۹۱۶ م امیر مسوده یک عقد نامه مشروط دوستی و اتحاد را به هیأت ارائه نمود. به موجب این سند المان و متحدین آن استقلال افغانستان را تصدیق نموده، المان تحویل دهی یک صد هزار قیضه تفنگ، سیصد میل توپ و سایر انواع اسلحه و مهمات را با مبلغ ده میلیون پوند سترلینگ به افغانستان متعهد میشد، همچنان دولت مذکور وعده میداد که راه ایران را برای رساندن کمک به افغانستان باز نماید. از متن این معاهده معلوم میشود که دولت افغانستان هیچ نوع تعهدی را به ذمه نکرده بود.

با وجودیکه روسای هیأت - فوندر مایر و فون هنتگ به بی اهمیتی این سند پی برده بودند ، اما مجبوراً عهد نامه توسط طرفین امضاء شد اما يك روز بعد از عقد این عهد نامه امیر حافظ سیف الله خان سفیر انگلیس مقیم کابل را پذیرفته ، به او اطمینان داد که افغانستان با وجود امضاء تعهد نامه ، بیطرفی خود را مانند سابق حفظ خواهد کرد و این موضوع به زودترین فرصت در دربار اعلان خواهد شد . همان بود که به تاریخ ۲۹ جنوری ۱۹۱۶ در کابل دایر و امیر حبیب الله خان یک بار دیگر بیطرفی و ادامه دوستی کشورش با همسایگان را تأیید نمود که این عمل نه تنها نمایندگان المان را بلکه دوستان و روشنفکران افغانی شان را نیز متأثر ساخت .

اگر چه ورود هیأت به افغانستان برای قوای مرکزی اروپا نتیجه دلخواه و آنی در پی نداشت و «نیدر مایر» و رفقای او هر يك به صورت پراکنده افغانستان را در برج می ۱۹۱۶ م ترك گفتند ، اما با آنهم از یکطرف برای کشورهای همسایه شامل جنگ درد سرهای خلق کرد و آنها مجبور شدند ترتیبات دفاعی برای حفاظت سرحدات خود بگیرند و از جانب دیگر ورود هیأت اثرات بس عمیق در روح و روان مردم ، علی الخصوص روشنفکران افغانی از خود بجا گذاشت که در نتیجه آن حس آزادی خواهی در افغانستان تشدید و زد و بند های امیر با انگلیس ، بی پروا بیها و بی علاقگی او در برابر ادعیه آزادی افغانستان بر ملا شد و با نتیجه چهره اصلی امیر نزد مردم آشکار گردید و از همه مهمتر آنکه يك بار دیگر همبستگی استبداد داخلی با استعمار خارجی تأیید شد که این عوامل بدون شك در سوء قصد علیه جان امیر در کله گوش لغمان و رویداد های سیاسی و اجتماعی آینده کشور بی تأثیر نبود . (۴۳)

حرکت متهورانه مبارزین جنبش مشروطه دوم در کله گوش جرقه انقلابی بود که در نتیجه آن با لاکره آرمان مقدس مشروطه خواهان افغان که در قدم اول حصول استقلال سیاسی و تشکیل دولت مشروطه در افغانستان بود ، تحقق پذیرفت .

۲) جنبش آزادی خواهی در هند :

طوریکه قبلاً تذکار یافت هیأت اعزامی المان - ترکیه در کابل به هدف اساسی خود که کشاندن افغانستان به صحنه جنگ و اعلان جهاد علیه دول انگلیس و روسیه تزاری بود موفق نشد ، فلذا اقامت بیشتر را در کابل بیهوده دانسته ، اعضای اروپایی آن در ماه می ۱۹۱۶ م طور انفرادی مملکت را ترك و با تحمل مشکلات فراوان خود را به مراکز نظامی شان به ایران و عراق رساندند ، اما اعضای هندی و ترکی آن در کشور باقی ماندند تا جهت تحریکات و تبلیغات با دسته های مخالف انگلیس که در آن زمان در افغانستان و سرحدات آزاد مراکز داشتند یکجا شوند . چنانچه را جامهند را پرتاب عضو هیأت مذکور که چندی قبل به دربار امیر حبیب الله خان آمده بود به حیث صد رحکومت مؤقت هند در کابل انتخاب گردید .

به هر حال چون در مورد جنبش آزادی خواهی در هند ، انقلاب مشروطه ایران و ترکیه ، منحصی عوامل خارجی حرکت مشروطه خواهی در افغانستان در بخش قبلی به تفصیل صحبت شده است که خواننده محترم در صورت داشتن تمایل میتواند به آن مراجعه نماید . ما این مطلب را فقط جهت حسن اختتام تذکر میدهم که جنبش های آزادی خواهی در هند ، علی الخصوص مهاجرت هزاران مبارز مسلمان و هند و به قبایل و سرحدات آزاد ، برقراری روابط بین آنها و مرکز کشور و سرانجام ، تشکیل حکومت مؤقت هند در کابل منحصی عوامل خارجی تأثیرات عمیق خود را در روح و روان روشنفکران و مبارزین مشروطه دوم افغانستان به جا گذاشتند .

مآخذ و توضیحات بخش چهارم

- ۱) افغانستان در مسیر تاریخ، میرغلام محمد غبار، جلد اول، انتشارات جمهوری، چاپ ششم، تهران ۱۳۷۴ هـ، ص (۷۲۰-۷۲۱)
- ۲) معاش سالانه سردار نصرا لله خان نایب السلطنه در آن زمان ۳۶۰۰۰ روپیه بود (غبار) ص (۷۰۹)
- ۳) افغانستان در مسیر تاریخ، جلد اول، ص (۷۰۷)
- ۴) همان منبع، ص (۷۰۵)
- ۵) همان منبع
- ۶) همان منبع، ص (۷۰۳)
- ۷) همان منبع.
- ۸) جنبش مشروطه در افغانستان، پوهاند سید سعادت دین هاشمی، شورای فرهنگی افغانستان، سویدن - ۱۳۸۰ هـ، زیر نویسی صفحه ۲۰۵ (از قول پوهاند رسول رهین، شماره سوم، سال اول، آریانا برون مرزی)
- ۹) همان منبع، ص (۲۰۵)
- ۱۰) روان شاد غبار عبدالقا در پشاور را (قاضی قادرو، طوریکه بین مردم نامیده میشد) یاد نموده و او را جاسوس مشهور انگلیس در دربار امیر شیر علی خان معرفی نموده است.
- ۱۱) در اثر پوهاند هاشمی «جنبش مشروطه در افغانستان» دوام نشر جریده شمس النهار دو سال و سی و پنج روز ذکر شده و تعداد شماره های آنرا با اضافه «به گمان اغلب» چهل و هشت محاسبه مینماید، اما در مقاله پرتونادری طول زمان نشرات شمس النهار در دوره امیر شیرعلی خان چار سال ثبت شده است.
- ۱۲) در «سیر ژورنالیزم در افغانستان» اثر پوهاند محمد کاظم آهنگ، فقط چیزی بیشتر از يك صفحه در چوکات عمومیات راجع به مدیریت و نقش مرزا عبدالعلی خان در جریده شمس النهار به نظر میخورد.
- ۱۳) مرزا عبدالعلی خان مامای مادر نویسنده این اثر است.
- ۱۴) نام خطی است که آنرا کوفی هم میگویند و در قدیم بیشتر کتب مذهبی اسلام و کتیبه ها با آن خط نوشته میشد (فرهنگ عمید)
- ۱۵) در صفحه (۳) تذکره مرحوم عبدالمجید خان ولد عبدالعلی خان ولد بها در خان در ستون «پیژند نه» در مقابل ملیت: پشتون نوشته شده است.
- ۱۶) پوهاند رهین مدخله بریتانیا را از قول مؤلف «سیر ژورنالیزم در افغانستان» پوهاند محمد کاظم آهنگ و پوهاند حبیبی از گفتار شفاهی با عبدالعزیز خان قند هاری که در جنبش مشروطه خواهی اول و دوم سهیم بود نقل قول مینمایند.
- ۱۷) جنبش مشروطه در افغانستان، پوهاند هاشمی، ص (۲۲۶)
- ۱۸) همان منبع، ص (۲۲۰)
- ۱۹) همان منبع، ص (۲۲۱)
- ۲۰) سند اندیا آفس با متن انگلیسی درج اثر پوهاند هاشمی «جنبش مشروطه در افغانستان» بود که توسط نویسنده این سطور به دری برگردانیده شد و متن انگلیسی آن هم جهت رعایت اصل امانت داری در زیر آورده شده است:

Simla the 23th May 190

you may be interested to see the letter from British Agent at Kabul, of which I enclose a copy, regarding a newspaper (Siraj-ul-Akhbar), which has been published at Kabul.

A brief précis of the contents of the only issue of the paper is also enclosed.

Political and Secrets Department, India Office, Lond.

۲۱) افغانستان در مسیر تاریخ، میرغلام محمد غبار، جلد اول، ص (۷۲۴)

۲۲) همان منبع، ص (۷۲۴)

۲۳) «محمود بیگ طرزی» عبدالمجید ملک، از انتشارات مرکز فرهنگی انجمن کمک به مهاجرین افغان، تاریخ تالیف ۱۳۵۲ هـ (۱۹۷۳ م)، جمهوریت اتحاد آلمان، بن - ۱۳۷۲ هـ (۱۹۹۳ م)

۲۴) همان منبع

- (۲۵) همان منبع
- (۲۶) همان منبع
- (۲۷) «تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمان خان تا استقلال»، لودویگ آدمک، ترجمه پوهاند علی محمد زهراء، مؤسسه نشراتی افغان کتاب، کابل-۱۳۴۹ هـ ش، ص (۱۳۵)
- (۲۸) جنبش مشروطیت در افغانستان، حبیبی، از انتشارات سازمان مهاجرین مسلمان افغانستان، طبع ۱۳۷۷ هـ ش، ص (۱۲۶)
- (۲۹) همان منبع، ص (۱۰۹)
- (۳۰) محمود بیگ طرزی، عبدالمجید ملک، بن-۱۳۷۲ هـ ش، ص (۴)
- (۳۱) همان منبع
- (۳۲) میر محمد علی آزاد کابلی خسروبره سرور جوپا است که اخیر الذکرا جمله روشنفکران و وطن پرستان کشور بوده، مدت بیست و دو سال زحمت زندان را متقبل شده و بالاخره در همان جا به جاودانگی پیوست. جوپا در ۱۹۳۳م به جرم وطن دوستی و مردم پروری در محبس سرای موتی زندانی و مدت سیزده سال تکلیف حبس را متحمل شد تا آنکه در ۱۹۴۶م در دوره صدارت شاه محمود خان در جمله سایر محبوسین رها گردید، اما شش سال بعد یعنی در ۱۹۵۲م در جمله مبارزین جسر «حزب وطن» دوباره محبوس گردید و بادنای پر از آرمان وطن خواهانها نه بعد از نه سال سپری نمودن مشقات زندان دهمزنگ در سال ۱۹۶۱م در همان سلول های تاریک و نمناک آن به رحمت حق پیوست. روحش شاد و خاطره اش گرامی باد.
- (۳۳) محمود بیگ طرزی، عبدالمجید ملک، بن-۱۳۷۲.
- (۳۴) همان منبع
- (۳۵) همان منبع
- (۳۶) همان منبع
- (۳۷) جنبش مشروطیت در افغانستان، حبیبی، طبع-۱۳۷۷
- (۳۸) محمود بیگ طرزی، عبدالمجید ملک، بن-۱۳۷۲ هـ ش
- (۳۹) همان منبع
- (۴۰) افغانستان در پنج قرن اخیر، میر محمد صدیق فرهنگ، انتشارات درخشش، ایران، مشهد، ۱۳۷۱ص (۴۶۲ و ۴۶۳)
- (۴۱) همان منبع
- (۴۲) افغانستان در مسیر تاریخ، جلد اول، صفحه (۷۳۹)
- (۴۳) درتدوین این مبحث از مآخذ متعدد، بالاخص «محمود بیگ طرزی»، «جنبش مشروطه در افغانستان»، «جنبش مشروطیت در افغانستان»، «افغانستان در مسیر تاریخ» و «افغانستان در پنج قرن اخیر» استفاده شده است.

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada
Tel (905) 665-8767